

زوجی که تنها دو سال از زندگیشان گذشته بود، بتدریج با مشکلاتی در جریان مراودات خود مواجه شدند به گونه ای که زن معتقد بود از این زندگی بی معنا بیزار است، وی احساس می کرد که شوهرش طرفدار رمانتیسم نیست و ایده آل و آرمان بی توجه می باشد.

بدین سبب روزی از روزها، به شوهرش گفت: باید از هم جدا شویم.  
شوهر پرسید: چرا؟

زن جواب داد: من از این زندگی سیر شده ام. دلیل دیگری وجود ندارد.

تمام عصر آن روز شوهر به آرامی سیگار می کشید و حرفی نمی زد، زن بسیار غمگین شده و در این اندیشه بود که شوهرش حتی او را برای ماندن متقاعد نمی سازد، پس چگونه می تواند او را خوشحال کند.  
تا اینکه شوهر از او پرسید: چطور می توانم تو را از این تصمیم منصرف کنم؟  
زن در جواب گفت: تو باید به یک سؤال من پاسخ بدهی، اگر پاسخ تو من را راضی کند، من از این تصمیم منصرف خواهم شد.

سپس ادامه داد: من گلی در کنار پرتگاه را بسیار دوست دارم. اما نتیجه چیدن آن گل مرگ من خواهد بود. آیا تو آن را برای من خواهی چید؟  
شوهر کمی فکر کرد و گفت: فردا صبح پاسخ این سؤال تو را می دهم.

صبح روز بعد، زن بیدار شد و متوجه شد که شوهرش در خانه نیست و روی میز، نوشته ای زیر فنجان شیر گرم دیده می شد. زن شروع به خواندن نوشته شوهرش کرد که نوشته بود:  
عزیزم، من آن گل را نخواهم چید. اما بگذار علت آن را برای تو توضیح دهم:  
اول اینکه تو هنگامی که با کامپیوتر تایپ می کنی، مرتکب اشتباهات مکرر می شوی و بجز گریه، چاره ای دیگر نداری. به همین دلیل، من باید زنده باشم تا بتوانم اشتباه تو را تصحیح کنم.  
دوم اینکه تو همیشه کلید را فراموش می کنی و من باید زنده باشم تا در را برای تو باز کنم.  
سوم اینکه تو همیشه به کامپیوتر نگاه می کنی و این نشان می دهد تو نزدیک بین هستی. باید زنده باشم تا روزی که پیر می شوی، ناخن های تو را کوتاه کنم.

به همین دلیل مطمئناً کسی دیگری وجود ندارد که بیشتر از من عاشق تو باشد و من هرگز آن گل را نخواهم چید. اشک های زن بر گونه هایش و نوشته شوهر جاری شد. اشک هایی که مانند یک گل درخشان و شفاف بود.

وی به خواندن نامه ادامه داد: عزیزم، اگر تو از پاسخ من خرسند شدی، لطفاً در را باز کن، زیرا من نانی را که تو دوست داری، در دست دارم و پشت در منتظر هستم، زن در را باز کرد و دید که شوهرش همچنان در انتظار ایستاده است. زن اکنون می دانست که هیچ کس بیشتر از شوهرش او را دوست ندارد.

**نکته!**

آری، عشق می تواند حتی با روش های معمول و عادی به انسان ها نشان داده شود.